

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Human rights

حقوق بشر

محمد حیدر اختر
۲۹ سپتمبر ۲۰۱۳

رسالت رسانه ها در قبال جنایتکاران

همه آگاهی یافتند که لست پنج هزارتن از آن هموطنان ما که در زمان رژیم سفاک و متکی به اتحاد جماهیر اشتراکیه سابق ، توسط دستگاه جهنمی اکسای خلقی ها به شهادت رسیده اند ، نتیجه تحقیقات مقامات هالندی، از طریق روزنامه هشت صبح در کابل انتشار یافت. به علاوه کسانی که نام عزیزان شان را در لست دیدند و داغ و اندوه گذشته برای شان بار دیگر تازه شد ، باعث تأثر و اندوه عمیق برای همه هموطنان در داخل و خارج کشور نیز گردید .

روزنامه هشت صبح با نشر این موضوع رسالت خویش را در مقابل مردم داغ دیده و رنج کشیده خود به نحو حسن

اجراء کرد، به تعقیب آن این خبر سرخط تمام بسیاری از نشریات یعنی تلویزیون ها، رادیو ها و تمام روزنامه ها، هفته نامه ها و مجلات و همچنان وبسایت ها و فیسبوک های شخصی نیز قرار گرفت و به صفت داغترین موضوع در سراسر جهان تکثیر گردید .



دیده شده است که بعد از سقوط رژیم

دست نشانده شوروی سابق در افغانستان در سال ۱۹۹۲ میلادی و فرار اعضای حزب دموکراتیک خلق از آن کشور و سرازیر شدن آن ها در کشور های اروپائی ، امریکای استرالیا ؛ نخست خود را جمع و جور کرده و به تعقیب آن تلاش زیاد به خرچ داده و می دهند تا بتوانند بالای جنایات چهارده ساله شان خاک انداخته و توجه مردم شریف افغانستان و همچنان جهانیان را به جنایات تنظیم های جهادی سابق معطوف نمایند . این گروه نا بکار در اروپا و امریکا به علاوه فعالیت سیاسی پنهان و عیان، به فعالیت های فرهنگی آغاز نموده و با نشریات خارج مرزی که توسط هموطنان ما در کشورهای مختلف فعالیت داشته و دارند خویش را نزدیک و نزدیکتر ساخته بانوشتن مقالات، اشعار به نام های اصلی و بعضاً هم به نام های مستعار پرداختند .

گردانندگان هفته نامه ها، ماهنامه ها و تلویزیون ها و حتی وبسایت ها نزدیک شدن آنها را جدی نگرفته به همکاری شان لبیک گفتند و مضامین شان را پذیرفتند . با تأسف می بینیم که اعضای بلند پایه حزب دموکراتیک خلق در تلویزیون هائی که از داخل افغانستان نشرات دارند منحیث آگاهان سیاسی ، نظامی ، اقتصادی و تجارتي ظاهر می

شوند و نظریات به اصطلاح مدبرانه شان را به کمال افتخار ارائه می دارند و اصلاً به روی خویش نمی آورند که در گذشته چه بلایی بر سر افغانستان و مردم رنج دیده آن آورده اند که تا امروز روی آرامی را ندیده اند. گردانندگان برنامه ها ایشان را منحصیث شخصیت های آگاه با القاب پر طمطراق برای بینندگان شان معرفی می دارند و از ایشان شخصیت های دروغین ساخته و می سازند.

حتا بعضاً دیده شده که یکی از اعضای برجسته حزب دموکراتیک خلق که عضویت سازمان جاسوسی کی جی بی را نیز داشت با خرید سه چار ساعت وقت برنامه، در یکی از تلویزیون های خصوصی در کابل مصاحبه ای انجام داده و با چرب زبانی مانند موسیچه بی گناه تمام اتهاماتی را که بالایش وارد بوده است با چشم سفیدی و دیده درائی رد نمود. پس از فروپاشی رژیم مردم کش خویش، نفوذ و همکاری را با تنظیم های جهادی روی دست گرفتند. نقابی که در روی سپاه گذاشتند، نقاب قومی بود.



بعد از سقوط رژیم طالبان و روی کار آمدن حکومت انتقالی اکثر اعضای حزب دموکراتیک خلق که در کشور های اروپائی پناهنده کی شان قبول نشده و یا این که از مقام و موقف گذشته که داشتند به دور مانده بودند دوباره به کشور رفته با شناخت و ساخت و بافت هائی که داشتند در ادارات دولتی، پارلمان و دیگر عرصه ها به کار و فعالیت آغاز نموده و حتی بعضی از اعضای شناخته شده آن ها که به نقض حقوق بشر در جنگ های

افغانستان متهم هستند در پهلوی رهبران جهادی سابق به تشکیل احزاب سیاسی نیز پرداختند.

مؤسسه یا دفتر حقوق بشر در افغانستان که وظیفه اش گرفتن حقوق حق مردم افغانستان است با وجودی که شناخت کامل از هر یک شان داشته و دارند و اسناد و دوسیه های شان در دفتر موجود نیز می باشد خموشی اختیار کرده و هیچ گاهی سد راه فعالیت های سیاسی ایشان نگردیده است.

در خارج از کشور نیز از اوضاع نامساعد دیگران به نفع خود سوء استفاده به عمل آورده اند. زیرا دیده می شود که در تلویزیون های خصوصی که از طریق امریکا به سراسر جهان پخش می شود باز هم چهره های اعضای حزب دموکراتیک خلق در برنامه های مختلف دیده شده و حتا بعضی ها با گذشته حزبی و فعالیت در دستگاه جهانی خاد برنامه تهیه می کند و در مقابل پرداخت یک مقدار پول به تلویزیون های خصوصی نشرات دارند که با استفاده از آن در برنامه هایش گزارشات، مصاحبه ها و فعالیت های رفقای حزبی خویش را زیرکانه پخش می کنند.

بافراهم شدن شرایط و دست یافتن به تکنالوژی مدرن به خصوص اینترنت در سراسر جهان امکانات فعالیت های فرهنگی از طریق وبسایت ها و صفحات اینترنتی و وبلاک ها برای همه مهیا گردید از این امکانات تعداد کثیری از هموطنان ما نیز استفاد برده و به فعالیت فرهنگی از طریق اینترنت و باز نمودن صفحات اینترنتی در خدمت مردم شان قرار گرفته اند. در جمله وبسایت هائی که از طرف افغان ها باز شده، دیده می شود که طرفداران نور محمد تره کی، حفیظ الله امین، ببرک کارمل و داکتر نجیب هر کدام به راسته خود نشرات داشته و از رهبران سیاسی خود با القاب بلند بالا یاد آوری نموده و هر کدام آنها را قهرمانان کشور معرفی نموده از جانب دیگر یکی بر سر دیگری کوبیده و جنایات و اشتباهات گذشته را یکی بر گردن دیگری می اندازد ولی تاکنون هیچ کدام شان حاضر به این نشده است که مسؤولیت قتل و قتال، شکنجه و آزار و اذیت مردم شریف افغانستان را به دوش گرفته و به جنایات و اشتباهات خویش سر بگذارند.

اعضای حزب دموکراتیک خلق، به علاوه ای که در صفحات مربوط خود شان یکی علیه دیگری می نویسند بعضی از ایشان در وبسایت هائی که گردانندگان شان گذشته را به باد فراموشی سپرده و در این مسایل بی اعتناء و بی مسؤولیت برخورد می کنند مقالات شان را به نام و عکس های شان و بعضی هم قسمی که گفته آمدیم به نام های مستعار انتشار می دهند طور مثال یکی از خادیسست های پوهنخی طب کابل به نام مستعار دریکی از وبسایت ها که من نیز بعضاً همکاری داشتم مطلبی ارسال داشته بود، که منتشر شد. من با دیدن مطلب و عکس آن شخص از روی همکاری بسیار مؤدبانه و واقعاً دلسوزانه نام اصلی و تخلص و گذشته آن شخص را نوشته و برای گرداننده وبسایت ارسال داشتم. مسؤول وبسایت با بسیار بی اعتنائی در جواب ایمیل من نوشت که نوشته این شخص مورد علاقه من می باشد به گذشته اش کاری ندارم و برایم بی اهمیت می باشد.

از این موضوع نزد خود چنین نتیجه گرفتم یا اینکه مسؤول وبسایت قبلاً روابط و ارتباطات سازمانی داشته و یا این که انسان جیون و ترسو و بی خاصیتی می باشد که به اصطلاح عامیانه از تپ تپ پای هراس دارد.

چیز دیگری که در شرایط امروز افغانستان و به خصوص در مطبوعات سراسری و رسانه ها رخنه کرده مسایل قومی و زبانی و نژادی می باشد که با تأسف همه چیز های دیگر را تحت شعاع خویش قرار داده است. اگر یک جنایت کار و یا شکنجه گر روابط قومی و نژادی با یک نویسنده داشته باشد، آن نویسنده با وجودیکه به مسایل وارد هم است از تمام جنایات آن شخص چشم پوشی نموده به طرفداری و دفاع آن شخص می براید و به بازی کلمات حتا به دشنام طرف مقابل متوسل شده می خواهد اتهامات و بار جنایت و شکنجه را از شانه های شخص مورد نظرش برطرف کند.

چون موضوع درباره رسالت نویسندگان و رسانه ها می باشد بهتر آن است که مثالی از این گونه روابط بیاوریم: یکی از نویسندگان را می شناسم که در زمان زمامداری حزب دموکراتیک خلق بندی شده و مدتی را عقب میله های زندان پلچرخ سیبری نموده است. ولی امروز نظر به این علاقه ای که دوتا دوسیه دار او را بازی داده و پیش انداخته اند نوشته هائی را در طرفداری آنها چاپ می کند که آنها هم صفتش را کنند. تمام جنایات گذشته را کنار گذاشته بالای شخصیت های محترمی که شکنجه گران و قاتلان را معرفی کرده اند زبان درازی و قلم پردازی می کند و گاهی به نام مستعار، یا زیر نام یکی از خانم هائی که سابقه حزبی و همکاری با شکنجه گران دارد، نوشته می کند. آدمی که خبر ندارد، پرچی ها در غیاب شان ریشخند می کنند که فلانی را استخدام کردیم. البته اگر پشت پرده رابطه دیگری بوده آن را به خداوند و اطلاعات مردم مطلع می سپاریم.

این جانب مثل تعدادی که وفا به عهد دارند، همیشه گفته ام که آنانی که با دیده درائی می خواهند سیاهی را به مردم شریف وطن، سفید نشان بدهند، تلاش عبث و بیهوده دارند. در صورتی که تمام مردم شریف افغانستان سیاهی و سفیدی را به خوبی از هم تفريق کرده می توانند. همینجا قابل تذکر است که یک تن از هوطنان جناب حسن امیری هم بی هراس و با وفا به عهد در سالهای آخر کوشش کرده و کوشش قابل قدر می کند که لست جنایتکاران و لست قربانیان و شهدای گلگون کفن وطن ترتیب شود. باید از ایشان به قدردانی یاد کنیم از شخصیتی که جنایتکاران او را خار چشم می بینند.

در ارتباط با لست ۵۰۰ نفری از قربانیان رژیم وحشت و دهشت، در باره بی پروائی ها، بی مسؤولیتی ها و فراموش کردن وظیفه مقدس مبارزه با اشخاصی نوشتیم که سابقه جنایتکارانه دارند. ولی قابل تذکر است که شهادت بیگناهان را این ۵۰۰ نمی سازد. ده ها و صدها هزار شهید شده اند. سوم حوت ۵۸، ثور ۵۹، بمب انداختن هائی که هزاران قریه و ده را خراب و به خاک یکسان کرده است. بعد از حفیظ الله امین خون آشام بود. خاد داکتر نجیب – روسها دست بردار شکنجه و اعدام نشد. ده ها محبس و پلچرخ دیگر وجود داشت. باید لست آنها هم به نشر برسد.

نشر لست پنج هزار شهید برای مردم ما اگر رنج آور بوده است امیدوار کننده هم است برای این که بالاخر حقیقت جای خود را می گیرد و اگر آنانی که بخواهند حقایق را کتمان نموده و گذشته شان را پنهان نمایند و یا این که بالای جنایات

گذشته‌شان خاک بیندازند، بالاخره چلو صاف‌شان از آب می‌براید و روزی خواهد رسید که جوابگوی همه جنایات‌شان باشند. چنانچه امروز اکثر اعضای حزب دموکراتیک خلق از خجالت سربالا کرده نمی‌توانند و نزد مردم خویش خجل هستند.

پس آنچه گفته آمدیم، تمام رسانه باید قبل از همه منافع علیای مردم شریف افغانستان را مد نظر بگیرند و برای آن‌ده از کسانی که در نقض حقوق بشر در افغانستان دست داشتند زمینه فعالیت‌های فرهنگی رانده‌ند، آنها را معرفی کنند. به هر دوره و به هر حزب و تنظیمی که مربوط بوده‌اند. بگذارند که در جای خود و با خود باشند. خود را در نزد رسانه‌های غیر حزبی پت و مخفی نکنند. آنها باید از خود انتقاد کنند. از گذشته انتقاد کنند. تا اولادشان هم آنها را بشناسند. رسانه‌ها وظیفه دارند که فعالیت‌های وحشیانه انتخاباتی‌ها و با داران‌شان را محکوم کنند. استخدام کنندگان انتخاباتی‌ها، از دین مقدس اسلام، از پسماندگی اطفال و جوانان از جهالت شاخه‌های القاعده و طالبان افغانستان و پاکستان استفاده سوء کرده‌اند. این‌ها همه وظیفه رسانه‌های با رسالت است نه رسانه‌هایی که خود را با «جانک لالیش» گفتن مشغول ساخته‌اند.